

توان نظامی اعراب مسلمان در فتوحات اولیه

محمد محمودپور*

چکیده

برآمدن اسلام در میانه قرن هفتم میلادی موجب برهم خوردن معادلات قدرت در دنیای آن روز شد. اعراب تازه مسلمان با حرکت نظامی شگفت‌آور، مهمترین قدرت‌های جهانی را شکست دادند. آن‌ها توانستند امپراتوری بزرگ ساسانی را به سقوط کشانده و بر پایتخت سیاسی و مرکز مذهبی امپراتوری روم دست یابند. مسأله اصلی مقاله این است که چه عواملی سبب شد تا اعراب مسلمان به چنین پیروزی‌های سریع و خیره‌کننده‌ای دست پیدا کنند؟ بدون تردید در این پیروزی‌های معجزه‌آسا به‌جز نیروی معنوی اسلام که در قالب جهاد و شهادت‌طلبی نمود پیدا کرد، مسلمانان نیز می‌بایست از نظر مادی و نظامی به درجه‌ای از توان و نیرومندی رسیده باشند تا بتوانند خواست دینی یا مادی خود را محقق کنند. در این نوشتار، توان نظامی اعراب مسلمان از دو جنبه تفاوت‌های نظامی اعراب با ایران و روم و تاکتیک‌های نظامی جدید اعراب که با توجه به نبوغ نظامی فرماندهان اتخاذ می‌شد، مورد بررسی قرار گرفت و نشان داده شد که چابکی، سخت‌کوشی، نبوغ فردی و تفاوت شیوه جنگاوری اعراب از یک‌سو و طراحی شیوه‌های جنگی با ترکیب شیوه‌های جنگی ایران و روم با شیوه جنگاوری اعراب باعث غلبه نظامی اعراب بر ایران و روم شده بود.

واژه‌های کلیدی: فتوحات، جنگ، جهاد، کرادیس، خمیس، خالد بن ولید.

* استادیار گروه جغرافیا، بنیاد دایره المعارف اسلامی. m.mahmoudpour@rch.ac.ir

| تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۰۳ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۱۸ |

مقدمه

فتوحات اسلامی و توسعه ارضی جهان اسلام در ابتدا با جنگ حاصل شده است؛ اما گسترش اسلام در بین مردم کشورهای فتح شده به زور جنگ و فشار نظامی نبود. البته از حق نباید گذشت که پیشرفت نظامی اعراب مسلمان به طور غیر مستقیم در گرایش آن‌ها به اسلام تأثیرگذار بوده است؛ چرا که فتوحات مسلمان در سده اول به اندازه‌ای خیره‌کننده بود که از آن به تقدیر الهی و معجزه اسلامی تعبیر شده است. اعراب مسلمان در کمتر از ربع قرن بعد از رحلت پیامبر(ص)، از تیسفون ساسانی تا اسکندریه بیزانسی را به قلمرو اسلام افزودند (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۱۱-۱۴). برآمدن اسلام در سده هفتم میلادی از جهات مختلف، نقطه عطفی در تاریخ جهان به شمار می‌رود. این واقعه عظیم از شروع تا به حال، از نظر معنوی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و اجتماعی، همواره تأثیرگذار و شگفتی‌ساز بوده است. در این میان، برخی مورخان و محققان اسلامی، خصوصاً خاورشناسان که چندان اعتنایی به جنبه وحیانی آخرین دین آسمانی نداشته‌اند از همان آغاز به معجزه بودن و حیرت‌آور بودن این حرکت عظیم اذعان داشتند. از نظر آن‌ها، یکی از این جنبه‌های اعجاز‌آمیز بر آمدن اسلام، سرعت و گستره فتوحات اسلامی پس از رحلت نبی مکرم اسلام (ص) بوده است. این حرکت چندان غریب می‌نماید که محققان از تحلیل شایسته آن باز مانده و از آن تعبیر به معجزه اسلام می‌کنند.

فتوحات به معنای گشودن سرزمین‌های غیر اسلامی با هدف نشر اسلام در خارج از شبه‌جزیره عربی است، به نحوی که پس از فتح تحت سلطه حاکمیت مسلمانان قرار گیرد. با این تعریف، بازه زمانی این فتوحات از سال ۱۳ هجری قمری در دوره خلیفه اول تا دوره عثمانی ادامه می‌یابد. با این حال، منظور ما از فتوحات اولیه، فتوح دوره خلفای راشدین مخصوصاً دوره شیخین (ابوبکر و عمر) است.

برخی برای کوچک کردن این حرکت بزرگ تاریخی، صرفاً به زمینه‌ها و شرایط فتوحات در سرزمین‌های مفتوحه اشاره کرده و آن زمینه‌ها و شرایط را که در برهه‌ای از زمان باعث تسهیل روند فتوحات شد به جای علت و عامل اصلی فتوحات گرفته‌اند. برای نمونه، برخی ضعف قوامی نظامی ایران و روم به سبب جنگ‌های طولانی را علت اصلی موفقیت فتوحات مسلمانان دانسته‌اند. اگر چنین استدلالی درست می‌بود پس یکی از این دو می‌بایست بر دیگری مسلط می‌شد (زیدان، ۱۹۱۴: ج ۱/۵۷). برخی نیز

فقر و گرسنگی و انگیزه کسب غنیمت را مهمترین محرک اعراب مسلمان برای فتح سرزمین‌های مجاور پنداشته‌اند. در صورت درستی چنین محرکی - که بین محققان اتفاق نظر در باب آن وجود ندارد- لازم به ذکر است که فقر و گرسنگی اتفاق جدیدی در شبه‌جزیره عربی نبوده و سال‌ها بود که اعراب با آن درگیر بودند؛ از این رو، ساده‌انگارانه است که به چگونگی تحقق این انگیزه در آن برهه زمانی توجه نکرد و عاملیت سرداران و سپاهیان مسلمان را ندیده گرفت. با این حال، بدون تردید دین اسلام و پیام‌های جاودانه و نوید بخش آن، محرک اصلی اعراب مسلمان برای فتوح قلمرو ایران ساسانی و روم شرقی بود. اگرچه هر دوی این‌ها، یعنی دین اسلام و کسب غنیمت، برای به بار نشستن، نیاز به کارگزارانی داشت تا کنش اجتماعی آن‌ها پس از رحلت پیامبر(ص) به شکل یک کنش تاریخی درآورد. به هر رو، تلاش این کنش‌گران تاریخی در امر فتوحات، وضعیت جامعه تازه تأسیس اسلامی را در هدف‌ها، تمایلات و ارزش‌ها در آینده تغییر داد.

هدف این نوشتار صرفاً بررسی توان نظامی کارگزاران و عاملین فتوحات اسلامی و بررسی شیوه‌های جنگی اعراب مسلمان است و بر آن است تا با بررسی شیوه‌ها و تاکتیک‌های نظامی آن‌ها، چگونگی غلبه آن‌ها بر ارتش‌های منظم و بزرگ آن روز دنیا را بررسی نماید. لازم به ذکر است این تحقیق به جنبه‌های ارزشی و تمایلات ایدئولوژیک فاتحان که محرک آن‌ها در شروع این حرکت تاریخ‌ساز شد، نمی‌پردازد.

پیشینه پژوهش

چرایی و نتایج فتوحات صدر اسلام همواره مورد توجه بوده و افزون بر کتاب‌های تحقیقی و تألیفی در حوزه تاریخ اسلام، برخی نیز به صورت ویژه مقالاتی در این مورد نوشته‌اند. در اغلب این نگاشته‌ها، مسأله چگونگی فتوحات اسلامی، پدیده‌ای عجیب و معجزه‌آسا تلقی شده و کمتر مورد مطالعه و تدقیق قرار گرفته است. از جمله این پژوهش‌ها، می‌توان به مقاله «فتوحات پس از رحلت پیامبر(ص)، زمینه‌ها و پیامدها» اثر علی حسن بیگی، اشاره کرد که مؤلف در این مقاله صرفاً به زمینه‌ها و پیامدها توجه داشته و چگونگی فتوحات را بررسی نکرده است. همچنین، می‌توان به مقاله کوتاه «جستاری در تاریخ و کارکردهای تشکیلات نظامی عهد اموی» به قلم مسعود بهرامیان و سیدعلی حسینی قمصری، اشاره کرد که نویسندگان اگرچه سؤالی دقیق را مطرح

کرده و ساختار نظامی امویان را مهمترین عامل پیروزی آنان برشمرده‌اند؛ اما نتوانسته‌اند دلایل، شواهد و مستندات برای اثبات نظر خود مطرح کنند. مقاله «نقد و بررسی نخبگان نظامی در فتوح با تکیه بر خالد بن ولید» اثر تقی شیردل و هادی بیانی، نیز یکی دیگر از پژوهش‌ها در این راستاست. این پژوهش، تک‌نگاری مطلوبی درباره یکی از نوابغ نظامی فتوحات اولیه است که در آن مؤلفان صرفاً به سوابق نظامی‌گری خالد اشاره کرده و به هیچ روی وارد شیوه‌ها و شگردهای نظامی او نشده‌اند. کتاب شیوه‌های تهییج و پایداری سپاهیان در صدر اسلام، اثر سید محمد طیبی که در سال ۱۳۹۲ش در انتشارات دانشگاه کرمان به چاپ رسیده، اثر منسجم و مفیدی است که افزون بر جنبه‌های مادی به روش‌های معنوی جنگ‌های اعراب مسلمان از زمان پیامبر (ص) تا دوره خلافت امام حسن (ع) توجه کرده است.

ماهیت سپاه

سپاه یا نیروی نظامی در زمان پیامبر (ص) عموماً از مهاجران و انصار تشکیل می‌شد. در همین ایام و پس از فتح مکه در سال هشتم و گسترش اسلام در سرتاسر شبه‌جزیره عربی، از دیگر قبایل عرب نیز به سپاه اسلام پیوستند. این ترکیب عربی سپاه اسلام تا اواسط دوره اموی نیز ادامه داشت و در پایان این دوره با تثبیت حکومت اسلامی در ایران، شام و شمال آفریقا نیروی نظامی غیر عرب نیز با نام موالی به سپاه اسلام اضافه شدند.

شروط عمومی سربازان برای عضویت در سپاه طبق احکام اسلامی، بلوغ، حریت، سلامت جسمی، اسلام، شجاعت و آگاهی از شیوه‌های جنگاوری بود (ماوردی، ۱۹۷۳: ۲۰۳-۲۰۴). با این حال، در زمان پیامبر (ص)، گاه در مواقع ضروری، افراد جامعه اسلامی به جهاد فراخوانده می‌شدند و بر هر مرد مسلمانی شرکت در جهاد واجب بود. طبق برخی روایات، پیامبر به پسران از پانزده سالگی به بعد، اجازه شرکت در جهاد می‌داد (ابن هشام، بی تا: ۳ / ۷۰؛ ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۲ / ۴۳۴). همچنین طبق برخی روایات (ابن حنبل، بی تا: ۲ / ۱۶۳-۱۶۴)، پیامبر (ص) به کسی که تنها پسر خانواده بود اجازه نبرد نمی‌داد.

در دوره جنگ‌های رده، ابوبکر سپاه واحد اسلامی را به یازده سپاه کوچک‌تر تقسیم کرد و هر یک را، برای سرکوب مرتدان و آشوبگران، به قسمت‌های گوناگون

جزیره‌العرب گسیل داشت. با گسترش فتوحات و اشتیاق اعراب مسلمان برای حضور در سپاه اسلام، قوانین مربوط به سربازان و جنگجویان در زمان عمر بن خطاب نظم بیشتری یافت. اسامی سربازان و مشخصات آن‌ها و مقدار ارزاق و مواجب سالانه ایشان در دفاتر دیوان جُند ثبت و ضبط می‌شد. در واقع، با تنظیم دیوان در زمان عمر، شرکت داوطلبانه افراد در جنگ‌ها به شرکت اجباری و ادواری تبدیل شد. این گروه (مرتزقه/ مستزرقه) موظف به شرکت در جنگ‌ها بودند و حق نداشتند به مشاغل دیگری چون کشاورزی و تجارت بپردازند، اما متطوعه/ مطوعه (کسانی که داوطلبانه به سپاه می‌پیوستند) پس از پایان جنگ و دریافت حقوق، بر سر کار و زندگی خود بازمی‌گشتند (طبری، ۱۳۸۷: ۳۳۱/۳؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵-۱۳۸۶: ۶/۶، ۴۶، ۸۱/۷؛ قره‌غولی، ۱۹۸۶: ۱۶۰). حقوق مرتزقه و متطوعه به ترتیب از محل فیه و زکات پرداخت می‌شد (ماوردی، ۱۹۷۳: ۳۶). به نظر می‌رسد پدید آمدن پادگان‌شهرهایی مثل کوفه، بصره و فسطاط در جریان فتوحات نیز برای اسکان همین سربازان دائمی بود. با این همه، نیروی نظامی در دوره خلفای راشدین، همگی عرب‌تبار بودند که عموماً به صورت قبیله‌ای وارد سپاه خلافت می‌شدند.

مراتب فرماندهی در تشکیلات نظامی مسلمانان را با توجه به منابع، می‌توان به این صورت رده‌بندی کرد: عَرِیف فرمانده ده سرباز، نَقِیب فرمانده ده عَرِیف، قائد فرمانده ده نقیب، امیر فرمانده ده قائد (مسعودی، ۱۴۰۶: ۳/۴۰۳؛ طبری، ۱۳۸۷: ۱/۵۴۴؛ زیدان، ۱۹۱۴: ۱/۱۶۱-۱۶۲). این شیوه ظاهراً تحت تأثیر مراتب فرماندهی در تشکیلات نظامی روم شرقی بود (زیدان، ۱۹۱۴: ۱/۱۴۲-۱۴۳) که در سازماندهی به شیوه کرادیس کاربرد داشت. وظایف فرماندهان نظامی گاه به ساماندهی سپاهیان و تدبیر جنگ محدود بود (امارت خاصه) و گاه همه احکام و تصمیم‌های مربوط به جنگ، از جمله تقسیم غنایم و بستن قرارداد صلح را نیز دربرمی‌گرفت (ماوردی، ۱۹۷۳: ۳۵).

سپاه در جهان اسلام تا پیش از روی کارآمدن امویان صرفاً نیروی زمینی بود که به دو دسته پیاده‌نظام و سواره‌نظام تقسیم می‌شد. با این همه نیروی نظامی غالب پیاده‌نظام بودند، به همین روی برای جلب سواره‌نظام که مرکب آن‌ها شتر و اسب بود، سه سهم از غنایم در نظر گرفته می‌شد؛ درحالی که پیاده‌نظام یک سهم دریافت می‌کرد.

سازماندهی سپاه پیش از جنگ

تدارک قوای مادی و معنوی لازم برای جنگ و حرکت دادن نیروها و انتخاب مواضع مناسب برای جایگیری آنها و پیش‌بینی نیازهای لشکر پیش از آغاز جنگ (تعیین راهبرد)، همچنین نحوه حرکت دادن نیروها حین نبرد و سازماندهی عملیاتی مناسب در صحنه جنگ (رزم‌آرایی = تاکتیک)، همواره از مهم‌ترین ارکان جنگ و از وظایف اصلی فرماندهی نیروهای نظامی بوده است. اعراب پیش از اسلام انضباط و آرایش خاصی نداشته و عموماً به شیوه جنگ و گریز می‌جنگیدند؛ اما به تدریج در درگیری با همسایگان خود از جمله ایرانیان با رزم‌آرایی آشنا شدند (قائدان، ۱۳۸۲: ۴۱-۴۲). مورخان مسلمان، استراتژی و تاکتیک را به‌طور کلی به معنای تجهیز و تنظیم (سازماندهی) سپاه، قلمداد و از آن با تعبیر تعبئه (تعبیه) یاد کرده‌اند (آلوسی، ۱۳۱۴: ۲/۵۷). پیش از حرکت سپاه، مهم‌ترین و مرسوم‌ترین وظیفه فرمانده کل، سان دیدن (استعراض) از سپاه بود. به هنگام سان دیدن افزون بر تجهیزات، وضعیت جسمی و روحی سپاه نیز مورد بررسی قرار می‌گرفت (هرثمی شعرانی، ۱۹۹۵: ۴۴-۴۵؛ قائدان، ۱۳۸۲: ۴۶-۴۵).

یگان‌های رزمی، بر اساس تعداد سربازان تشکیل‌دهنده، اسامی گوناگونی داشتند. معمولاً تعداد یک تا پنج سرباز را جریده، پنج تا ده سرباز را رهط، گروه‌های ده تایی را خضیره، بین سی تا چهل سرباز را عصبه، بین چهل تا پنجاه سرباز را سریه، بین صد تا هزار سرباز را کتیبه، حدود هزار تا چهارهزار سرباز را جیش و جحفل، از چهارهزار تا دوازده‌هزار سرباز را خمیس و کل افراد سپاه را عسکر می‌نامیدند (قره‌غولی، ۱۹۸۶: ۱۶۵). پیش از حرکت سپاه و در مرحله استعراض، فرماندهان و افراد زیردست آنها، از سوی فرمانده کل انتخاب می‌شدند و در جایگاه خود قرار می‌گرفتند. شعار رزم نیز در این مرحله تعیین می‌شد (ابن‌هشام، بی‌تا: ۲/۲۸۷، ۳/۲۳۷، ۳۰۶؛ ابن‌سعد، بی‌تا: ۳۲/۲؛ ماوردی، ۱۹۷۳: ۳۶-۳۷؛ واقدی، بی‌تا: ۲/۲۸۳).

برای آمادگی لازم در مواقع هجوم ناگهانی دشمن و نیز برای حفظ انضباط و امنیت، سپاه در طول مسیر با سازماندهی و آرایشی شبیه سازماندهی به هنگام نبرد، حرکت می‌کرد (رشیدی، ۱۹۹۵: ۷۹). معمولاً در مقدمه سپاه، سواران و در دو طرف آنان تیراندازان، پس از آن پیادگان با صفوف متراکم، به دنبال آنان صفوف شترهای حامل ابزارها و ادوات جنگ و سایر تجهیزات، سپس پزشکان و پرستاران حرکت می‌کردند.

ادوات و سلاح‌های سنگین، مثل منجنیق‌ها و عراده‌ها، را بر پشت شترها و قاطرها، یا به وسیله آن‌ها، در ردیف آخر (مؤخره) سپاه حرکت می‌دادند (رشیدی، ۱۹۹۵: ص ۷۲-۷۴). به نوشته هرثمی شعرانی (۱۹۹۵: ۲۹)، اگر لشکر به هنگام حرکت از روبه‌رو در معرض تهدید و خطر باشد، باید نیمی از جناح چپ در مقابل صفوف، نیمی از جناح راست در پشت سر آن، سپس قلب، آنگاه مابقی جناح‌های چپ و راست حرکت کنند. اما اگر خطر از جانب راست باشد، میمنه یا جناح‌راست در مقابل صفوف، آنگاه قلب و سپس میسره و اگر خطر از جانب چپ باشد، ابتدا میسره، سپس قلب و پس از آن میمنه حرکت کند (برای اطلاع درباره سفارش‌های مکرر خلفا و فرماندهان جنگ به حفظ آرایش جنگی در هنگام حرکت رجوع کنید به نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴: ۱۵۳؛ عبدالحمید بن یحیی کاتب، ۱۹۵۴: ۲۰۰-۲۰۱).

برای اطمینان از امنیت مسیر، حدود ۳-۲۰ سواره‌نظام ماهر و چابک، با نام طلیعه یا کشفه پیش از حرکت لشکر، با حفظ فاصله مناسب، حرکت می‌کردند و اخبار و اطلاعات لازم را مخفیانه برای فرمانده می‌فرستادند. طلایع‌داران که مسئول حفظ امنیت مسیر حرکت سپاه بودند، افزون بر دارا بودن صدای بلند، بایستی علایم و رموز مخصوص با فرمانده سپاه می‌داشتند تا در صورت نیاز بدون بهره‌برداری دشمن، اخبار لازم را به فرمانده برسانند (هرثمی شعرانی، ۱۹۹۵: ۴۸-۴۹؛ رشیدی، ۱۹۹۵: ۶۹).

از دیگر لوازم و مقدمات جنگ، استقرار سپاه در اردوگاه بود. سپاه پس از طی کردن مسافت طولانی نیازمند به تجدید قوا و تجدید سازماندهی بود تا عملکرد بهتری در میدان جنگ داشته باشد. انتخاب محل مناسب برای اردو زدن، چه در طول مسیر چه در مقصد، بسیار مهم و در نتیجه جنگ تعیین‌کننده بود. فرماندهان مسلمان می‌کوشیدند در جایی فرود آیند که به لحاظ موقعیت راهبردی، از اطراف دارای موانع طبیعی مثل کوه، دره یا رود باشد تا در مواقع خطر، تمرکز نیروها برای دفاع فقط از یک یا دو جهت باشد (مهر، ۱۹۹۴: ۱۴۵-۱۴۹).

فرماندهان عرب چندان به استقرار سپاه در اردوگاه اهمیت می‌دادند که برای این منظور شغل‌های تخصصی بسیاری نظیر «المُبَدَّرَقَه» (سواران نگهبان)، «الدیادبه» (نگهبانان روز)، «عَسَّاس» (نگهبانان شب)، «الخیل المُرْتَفِعَه» (سوارانی که مأمور نگهبانی بر راه‌های دور بودند)، «النَّفَائِضُ / النوافض» (نیروهای گشتی که پیشاپیش سپاه فرستاده می‌شدند)، «الأرصاد» (نیروهای کمین)، «الدرّاجات» (نیروهایی که برای کسب اخبار در

سرزمین دشمن پرسه می‌زدند)، «عیون» (جاسوسان)، «الرّذء» (نیروهای احتیاط و ذخیره)، «المُدَد» (امداد رسانان)، «الخیل المُمَدّه» (سواران احتیاط) و «الخیل المانع» (سواران حافظ لشکر و بارها) ایجاد کرده بودند و فرماندهی تمام نیروهای فوق را به فردی به نام «امیر التعبیه» (امیر سازماندهی) واگذار می‌کردند (هرثمی شعرانی، ۱۹۹۵: ۲۵، ۳۰-۳۱؛ رشیدی، ۱۹۹۵: ۷۸).

افزون بر اردوگاه‌های موقت، در دوره شیخین چند اردوگاه دائمی نیز تأسیس شده بود که همین اردوگاه‌های نظامی مدتی بعد در شمار مهمترین شهرهای اسلامی درآمدند. شهرهایی نظیر کوفه، بصره و فسطاط از جمله چنین اردوگاه‌های دائمی بودند که برای استقرار سپاه در خط مرزی اعراب با ایران و روم بنا شده بودند تا در صورت نیاز در سریع‌ترین زمان ممکن وارد عرصه کارزار شوند.

برخی گروه‌های غیر نظامی نیز در جنگ‌ها حضور داشتند که بیشتر، پشتیبانی و تدارکات جنگ برعهده آن‌ها بود. از مهمترین این گروه‌ها می‌توان به «دُعاه» (افرادی که دشمنان را قبل از شروع نبرد به دین اسلام دعوت می‌کردند)، «خطباء و وعاظ» (افرادی که با خواندن آیات قرآن، اشعار حماسی، جنگجویان را به استقامت در جنگ تشویق می‌کردند)، گروه کارگران و خدمتکاران که مسئول حفر خندق و آماده‌سازی راه بودند و گروه پزشکان و پرستاران اشاره کرد (هرثمی شعرانی، ۱۹۹۵: ۲۸؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۱/ ۶۱۵، ۳/ ۸۸؛ واقدی، ۱۹۶۶: ۱/ ۲۴۹-۲۵۰، ۲۶۸).

اسلحه: اعراب مسلمان میراث‌دار جنگاوری عرب جاهلی بودند. همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد اعراب جاهلی بیشتر به شیوه کرّ و فرّ (جنگ و گریز) نبرد می‌کردند؛ از این‌رو از سلاح‌های سبک و قابل حمل استفاده می‌کردند که از مهمترین آن‌ها می‌توان به تیر، کمان، شمشیر و نیزه اشاره کرد. تأمین و نگهداری چنین سلاح‌هایی نیز بر عهده سرباز بود و در واقع جزء لوازم شخصی او به شمار می‌رفت. این شیوه جنگی تا دوره خلفای اولیه ادامه داشت و به عبارت دیگر جواب‌گوی نیازهای آنان بود؛ اما از دوره ابوبکر و به ویژه عمر که مسلمانان درگیر نبرد با ایران و روم شدند، تأمین سلاح‌های مورد نیاز برای مقابله با تجهیزات و استحکامات طرف‌های درگیر، یکی از مسایل و مشکلات سپاه اسلام شد. اعراب بخشی از نیازهای خود را با غنیمت جبران کردند؛ اما بلافاصله با اقتباس از تجهیزات غنمیتی، اقدام به ساخت اسلحه متناسب با نیازهای خود کردند. همچنین آن‌ها تلاش کردند تا بخش از نیازهای خود را از ممالک مجاور

خریداری نمایند. از دیگر راه‌های تهیه سلاح در دوره خلفای اولیه، استفاده از شهرهای مفتوحه بود؛ به همین رو، یکی از اقلامی که معمولاً بر اساس صلح‌نامه‌ها و پیمان‌نامه‌ها بر عهده شهرهای مفتوحه گزارده می‌شد، تأمین سلاح سپاه مسلمانان بود. چنان‌که ابوعبیده جراح، طی پیمانی با اهالی بعلبک، حمص و قنسرین و خالد بن ولید به هنگام صلح با مردم دمشق، تدمر و رقه، آن‌ها را به تأمین جنگ‌افزارهای سپاه اسلام ملزم کرده بودند. در این دوره بود که افزون بر اسلحه سبک، سلاح‌های سنگین نیز به تجهیزات نظامی مسلمانان افزوده شد. از مهمترین سلاح‌های سنگین می‌توان به «منجنیق»، «دبابه»، «عراده»، «رأس الکبش» (سر قوچ)، و آلات حصار و قلعه‌گیری اشاره کرد که معمولاً برای انتقال آن‌ها به میدان جنگ از حیوانات استفاده می‌شد (قائدان، ۱۳۸۲: ۲۲۴، ۲۵۰-۲۵۱). (۲۷۷-۲۸۴).

خليفة دوم با تاسیس دیوان جُند، برای هر نظامی سالانه ۴۰۰ هزار درهم مقرر کرد تا با این پول خوراک، سلاح و مرکب خود را تدارک ببیند. اسلحه مورد نیاز در خزائن سلاح نگهداری و پیش از جنگ آن‌ها را میان سربازان توزیع می‌کردند (طبری، ۱۳۸۷: ۵۱/۴).

سازماندهی در میدان جنگ

۱. صف: ساده‌ترین سازماندهی سپاه، استفاده از صف بود که در بین اعراب جاهلی رواج داشت. این سازمان در برخی از غزوات و سریه‌های نخستین صدر اسلام، به‌ویژه سریه‌هایی که تعداد کمی از مسلمانان برای مأموریت‌های نظامی کوتاه‌مدت و محدود گسیل می‌شدند، نیز به کار گرفته می‌شد. با گسترش تدریجی قلمرو مسلمانان، سازماندهی رزم نیز به تدریج تحول یافت و روش‌های جدید، جانشین روش سنتی و متداول اعراب گردید. این شیوه جنگی تا زمان خالد بن ولید و معمول شدن شیوه کرادیس، رایج‌ترین شیوه جنگ آرای مسلمانان به ویژه در دوران فتوحات بود (قائدان، ۱۳۸۲: ۸۸).

نخستین بار در جنگ بدر بود که با نزول آیه ۴ سوره صف «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا»، مسلمانان به جنگیدن بر اساس نظام صف مأمور شدند. با این تفاوت که پیش از اسلام از این سازمان با شیوه «کر و فر» (جنگ و گریز) استفاده می‌کردند؛ در حالی که در دوره اسلامی با نزول آیه ۱۵ سوره انفال «إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا

زَخْفًا فَلَا تُؤَلُّوهُمْ الْأَذْبَارَ» «هنگامی که با کفار روبرو شدید همگی بر آنها هجوم برید و بر آنها پشت نکنید»، این شیوه به «الکرّ دون الفرّ» (جنگ بدون گریز) تغییر پیدا کرد. با توجه به آیه فوق گاهی از این روش با نام زحف (=حمله ناگهانی) نیز یاد می‌کنند. شیخین (ابوبکر و عمر) نیز از همین سامان جنگی استفاده می‌کردند. چنان‌که عمرو بن عاص در لشکرکشی به فلسطین، مثنی بن حارثه در نبرد با مهران از فرماندهان ایرانی، ابوعبیده جراح در نبرد شام از شیوه صف استفاده کرده بودند (قائدان، ۱۳۸۲: ۸۸).

۲. خمیس: از آرایش‌های نظامی رایج نزد مسلمانان سازمان خمیس بود. این شیوه جنگی پیش از رویارویی با دشمن نیز رعایت می‌شده و معمولاً سپاه با همین آرایش نظامی حرکت می‌کرد تا به صحنه جنگ وارد شود (قائدان، ۱۳۸۲: ۵۰). در این شیوه، سپاه به پنج گروه مقدمه (طلیعه)، میمنه (جناح راست)، قلب، میسره (جناح چپ) و ساقه (عقبه) تقسیم می‌شد. در نظام خمیس، تیراندازان ماهر در مقدمه جای داشتند. فرمانده کل و بیشتر نیروها، در گروه قلب مستقر می‌شدند. وظیفه قلب این بود که به‌طور مستقیم حرکت کند، در مقابل دشمن - هنگامی که به جلو می‌تازد - مقاومت کند و به هنگام فرار دشمن، در پی او بتازد. وظیفه میسره این بود که در محل استقرار خود بماند و جایگاه خود را ترک نکند و به دشمن اجازه پیشروی ندهد. ساقه هم پشت سر سپاه حرکت می‌کرد و حامل وسایل پشتیبانی و تدارکات جنگی بود. به نوشته هرثمی شعرانی (۱۹۹۵: ۴۰-۴۱)، وظیفه میمنه حمله به میسره سپاه دشمن و خارج کردن آن‌ها از محل استقرارشان بود. ساقه هم، ضمن حمل تدارکات، می‌بایست مراقب بود که دشمن از پشت سر حمله نکند و نیز نیروهای عقب مانده از جنگ یا مجروح را نگهداری کند و مانع کار کسانی شود که برای جاسوسی به نفع دشمن، از سپاه عقب مانده‌اند (عبدالحمیدبن یحیی کاتب، ۱۹۵۴: ۲۰۱-۲۰۲).

در سازماندهی به شیوه خمیس، مردم هر قبیله یا شهر در یکی از اجزای خمیس قرار می‌گرفتند تا همبستگی و آشنایی میان آن‌ها باعث نتیجه بهتری شود (ابن‌منکلی، ۱۴۰۹: ۱۷۷). اعراب پیش از اسلام نیز با این شیوه جنگی آشنا بودند پیامبر (ص) نیز در جنگ‌های موته و فتح مکه، نظام خمیس را به کار گرفتند (ابن هشام، بی‌تا: ۴/ ۱۹، ۴۹). خلیفه اول نیز از همین آرایش جنگی در نبردهای رده و قادسیه استفاده کرده بود (قائدان، ۱۳۸۲: ۵۰-۵۱).

۳. **کرادیس:** کرادیس جمع واژه کردوس است. اصل این واژه فارسی و به قولی یونانی است. در این شیوه جنگی که پیش از اعراب در ایران و روم استفاده می‌شد هر کردوس عربی متشکل از هزار تن می‌شد؛ در حالی که در ایران و روم این تعداد حدود ۶۰۰ نفر بود. هر کردوس به گروه‌های ده‌دهی تقسیم می‌شد. فرماندهی هر ده تن را یک عریف، هر ده عریف و سربازان زیردستان (صد تن) را امیرالاعشار یا نقیب و فرماندهی هر ده امیرالاعشار با افرادش (هزار تن) را قائدالکردوس بر عهده داشت. معمولاً هر لشکر از چندین کردوس تشکیل می‌شد و در مجموع به آن‌ها کرادیس گفته می‌شد (هرثمی، ۱۹۹۵: ۳۳؛ زیدان، ۱۹۱۴: ۱ / ۱۶۱-۱۶۲، ۱۸۴). اگر تعداد نیروها زیاد و نظارت بر آن‌ها دشوار بود، سازماندهی کرادیس، شیوه آسانی برای سازماندهی به‌شمار می‌رفت. در این شیوه، هر قبیله به یک یا چند کردوس تقسیم می‌شد و معمولاً هر کردوس وظیفه مستقل و مشخص و رمز، شعار و پرچم ویژه خود داشت و همین عوامل باعث می‌شد تا ساماندهی نیروها به راحتی امکان‌پذیر شود. همچنین اگر یکی از کردوس‌ها دچار آسیب یا شکست و عقب‌نشینی می‌شد، این شکست به سایر کردوس‌ها منتقل نمی‌شد (قائدان، ۱۳۸۲: ۷۲-۷۳). به گفته ابن خلدون چنین نظم و استقلالی سبب می‌شد تا جنگجویان بدون خلط و اشتباه وظایف محوله خود را انجام دهند (ابن خلدون، ۳۳۵/۱).

خالد بن ولید نخستین فرمانده عرب بود که به شیوه خاص خود از نظام کرادیس بهره برد. او در جنگ یرموک، سپاه را به ۳۶ تا ۴۰ کردوس تقسیم و نظام کرادیس و خمیس را درهم ادغام کرد. از این رو، شیوه جنگی او به «التعبئة الخالدیه» مشهور شده است. طبری با ذکر عبارت «و خرج خالد فی تعبئة لم تعبها العرب قبل ذلک» تصریح کرده است که این شیوه برای اولین بار توسط خالد در نبرد یرموک در سال ۱۳ هجری استفاده شده است و بررسی صحنه جنگ نیز ادعای طبری را تأیید می‌کند (طبری، ۱۳۸۷: ۳۹۶/۳). هر چند که ابن خلدون (۱۴۰۸: ۳۳۷/۱) به اشتباه مروان بن حکم (حک ۶۵-۶۶ق / ۶۸۴-۶۸۵م) را نخستین کسی می‌داند که از این شیوه سازماندهی جنگی استفاده کرده است. به نظر می‌رسد این شیوه خالد با وجود موفقیت‌آمیز بودنش در بین اعراب رایج و معمول نشده بود و تنها پس از آن‌که مروان بن محمد آخرین امیر اموی از سال ۱۲۸ هجری، به‌طور مکرر از این شیوه استفاده کرد، این شیوه در بین مسلمانان

رواج یافته باشد و احتمالاً از همین روست که ابن خلدون این شیوه را به اشتباه به وی نسبت داده است (قائدان، ۱۳۸۲: ۷۸-۷۹).

ویژگی‌های توان نظامی مسلمانان

ایمان به قضاء و قدر: مسلمانان معتقد بودند که انسان در زمان معین خواهد مرد حتی اگر در بستر نرم خوابیده باشد. اما اگر اجلش نرسیده باشد زیر شمشیر و پیکان هم زنده خواهد ماند. این اعتقاد باعث دلیری و پایداری آنان در میدان نبرد می‌شد.

بردباری و سخت‌کوشی: مسلمانان پیش از فتوحات نیز در نبردهای دوره پیامبر (ص) به بردباری مشهور بودند. برای نمونه، در جنگ موته با این‌که برتری سپاه روم را دیدند و چند بار نیز از آنان شکست خوردند، با این حال روحیه خود را از دست ندادند و باقیمانده سپاه را از تیررس روم‌ها خارج کردند تا به کلی منهزم نشوند (زیدان، ۱۹۱۴: ۱/ ۶۲). یکی از مهم‌ترین دلایل سخت‌کوشی اعراب در جنگ‌ها، سادگی خوراک و پوشاک و به طور کلی قناعت و ساده زیستی آنها بود. این خلق و خو باعث می‌شد زمان‌های طولانی در محاصره دشمن دوام بیاورند یا حتی مدت‌های طولانی شهرها و قلعه‌های دشمن را محاصره کنند. در چنین مواقعی وقتی توشه جنگی آنان به اتمام می‌رسید، شتری می‌کشتند و سدّ جوع می‌کردند یا این‌که به آبادی‌های اطراف شبیخون می‌زدند و نیاز اولیه خود را رفع می‌کردند.

فرماندهان کاردان: خلفای اولیه در انتخاب امیران نظامی ملاک‌هایی چون هوش، ایمان، پیوندهای قبیله‌ای و پاکدامنی داشتند؛ ولی از این میان به نظر می‌رسد کاردانی و تخصص برایشان مهم‌تر از موارد دیگر بود. خالد بن ولید تأثیرگذارترین امیر نظامی خلافت اسلامی که با هوش و ذکاوت بالایی داشت در دو جبهه ایران روم به پیروزی‌های چشمگیری دست یافته بود (مهر، ۱۹۹۴: ۲۳). با این همه، اشتباهات و خطاهای زیادی از وی سر زده بود که مورد اعتراض برخی از مسلمانان نیز قرار گرفته بود. با این حال، چون خلیفه به تخصص و نبوغ او نیاز داشت با توجیه و تأویل، از خطاهای مسلم او چشم‌پوشی می‌کرد.

تثبیت ممالک مفتوحه: خلیفه اول و دوم به تأسی از پیامبر (ص) به هنگام اعزام سپاه به فرماندهان خود دستورات اخلاقی و انسانی می‌دادند. از جمله این دستورات می‌توان به توصیه‌های عمر به سعد بن ابی‌وقاص هنگام اعزام به قادسیه اشاره کرد که در طی آن

خلیفه سپاهیان خود را به رعایت انصاف در برابر مردم، عدم قطع درختان، رعایت حال بزرگان مذهبی، زنان، کودکان و سالمندان، و عدم تعرض و توهین به امکان مذهبی سفارش کرد (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۳۵۰/۲). چنین سفارش‌های اخلاقی و انسانی سبب می‌شد تا اهالی سرزمین‌های مفتوحه رغبت و انگیزه چندانی به مقاومت و بازپس‌گیری سرزمین خود نداشته باشند.

مهارت در کرّ و فرّ: مهمترین شیوه اعراب در نبردهای دوره جاهلی و حتی در نبردهای دوره پیامبر (ص) به شیوه کرّ و فرّ (جنگ و گریز)، بود که بدون سازماندهی مشخص انجام می‌شد. این‌گونه حملات اغلب در زمانی که تعداد سپاه دشمن و استحکام و سازماندهی آن بیشتر بود به عنوان راهکاری برای ضربه زدن و خسته کردن سپاه دشمن مورد استفاده قرار می‌گرفت. با این‌که اعراب با شیوه‌های روز مثل صف، خمیس و کرادیس آشنا شده بودند؛ اما چون با شیوه کرّ و فرّ از پیش آشنا بودند از آن برای به زانو در آوردن سپاه منظم ایران و روم پیوسته استفاده می‌کردند و این شیوه تاکتیکی بود برای ایجاد رخنه و آشفتگی در سپاه دشمن. اعراب بعد از هر حمله ناگهانی و ایجاد صدمات کوچکی در قسمتی از سپاه دشمن، بی‌درنگ به بیابان فرار می‌کردند و از تجدید قوا که با توجه به شیوه زندگی ساده و سخت اعراب به راحتی این کار صورت می‌گرفت در فرصت مناسب، حمله را تکرار می‌کردند و این کار را تا زمانی که سپاه دشمن را به زانو درآورده و از هم پیاشند انجام می‌دادند. چنان‌که گفته شد در دوره اسلامی با توجه به اهداف دینی، این شیوه تغییر کرد و به «الکرّ دون الفرّ» (جنگ بدون گریز) تبدیل شد (قائدان، ۱۳۸۲: ۸۴؛ انفال: ۱۵).

خط بازگشت: اعراب به زندگی در بیابان عادت داشتند؛ به همین دلیل، در جنگ‌های اولیه پیوسته تلاش می‌کردند تا بیابان را پشت سر خود داشته باشند که در صورت شکست، سریع به آن پناه برده پس از تجدید قوا در فرصت مناسب دوباره دست به حمله زنند. به دنبال این تاکتیک بود که خلیفه دوم پیوسته دستور می‌داد که فرماندهان سپاهیان را در مکان‌هایی مستقر کنند که بین او (مدینه مرکز خلافت اسلامی) و رزمندگان اسلام، آب فاصله نیندازد. چه در آن زمان اعراب به نبردهای دریایی آشنا نبودند و امکان غافلگیری و شکست در صورت درگیری دور از انتظار نبود. ساخت اولین پادگان‌های نظامی اسلامی در کوفه، بصره و فسطاط برای پیشبرد این تاکتیک مد نظر خلافت اسلامی قرار گرفته بود (زیدان، ۱۹۱۴: ۱ / ۶۴-۶۵).

مهارت در تیراندازی و سوارکاری: افزون بر این که اسب‌های عربی چابک‌تر از سایر اسب‌ها بود و این اسب‌ها برتری نسبی به سپاه عرب می‌داد، سپاهیان عرب نیز در سوارکاری خیره بودند (زیدان، ۱۹۱۴: ۱/ ۶۱). اعراب به سبب نوع زندگی، اغلب یا در جنگ بودند یا این‌که به عنوان محافظ کاروان‌های تجاری فعالیت می‌کردند. نحوه زندگی و جنگ‌های عرب باعث ورزیدگی و چابک‌سواری آنان شده بود. از سوی دیگر در تیراندازی نیز مهارت داشتند. آن‌ها به سبک جنگ‌های جاهلی، پیش از آغاز همگانی نبرد، قهرمانان خود را به میدان می‌فرستادند و جنگ نمادین برگزار می‌کردند، یا این‌که با مهارت تمام، فرمانده سپاه را هدف تیر خود قرار می‌دادند و با این کار ترس به دل دشمن می‌انداختند و این‌گونه پیش از شروع جنگ از نظر روحی به برتری نسبی دست می‌یافتند که عامل مهمی در پیروزی‌های پی در پی اعراب بود.

در ابتدای جنگ تیراندازان و سپس سواره‌نظام وارد عمل می‌شدند. حمایت از دو جناح چپ و راست لشکر و حمله به جناحین دشمن و تعقیب فراریان دشمن در پایان جنگ، بر عهده سواره‌نظام بود (درباره وظایف سواره‌نظام رجوع کنید به قره‌غولی، ۱۹۸۶: ۱۶۲-۱۶۳). گردان‌های پیاده نیز در مکان‌های مخصوص خود مبارزه می‌کردند و مأمور به پایداری و حتی‌الامکان بلند نکردن صدای خود بودند. فرماندهان همواره این نکته را یادآوری می‌کردند که فریاد کشیدن و سروصدای زیاد در میدان جنگ از اسباب شکست است (ابن قتیبه، بی‌تا: ۱/ جزء ۲، ۱۰۸؛ آلوسی، ۱۳۱۴: ۲/ ۶۱).

جنگ روانی: به کار بردن حیل‌های جنگی نیز در تغییر نتیجه جنگ بسیار مؤثر بود و گاه شکست قطعی را به پیروزی مبدل می‌کرد یا دست‌کم موجب حفظ جان باقیمانده سپاه می‌شد (ابن عبدربه، ۱۹۸۳: ۱/ ۱۱۰؛ ابن منکلی، ۲۰۰۰: ۳۰۸-۳۱۱). به کارگیری حیل در جنگ امری طبیعی و معقول است. با این حال مسلمانان برای کاربست آن به روایت «الحربُ خدعه» متکی بودند (رشیدی، ۱۹۹۵: ۴۱). یکی از حیل‌های رایج جنگی، کمین گذاشتن در مسیر حرکت سپاه دشمن، برای حمله ناگهانی از پشت سر بود (برای کمین گذاشتن خالد بن ولید در جنگ الکوچه با ایرانیان در سال ۱۲ و شکست آن‌ها رجوع کنید به طبری، ۱۳۸۷: ۳/ ۳۵۴). در میان فرماندهان مسلمان، خالد بن ولید استاد فن جنگ و حیل‌های جنگی بود. از تدابیر مهم و سرنوشت‌ساز او، اتخاذ مسیری غیرمعمول برای حرکت سپاه از عراق به شام به منظور غافلگیر کردن دشمن در جنگ یرموک بود (ابن اثیر، ۱۳۸۵-۱۳۸۶: ۲/ ۴۰۷-۴۱۰). مدیریت سپاه شکست خورده

| توان نظامی اعراب مسلمان در فتوحات اولیه | ۱۸۱

مسلمانان در جنگ موته و نجات جان باقیمانده مسلمانان با به کار بستن حيله جابه‌جایی میمنه با میسره و مقدمه با مؤخره سپاه هنگام شب، به طوری که دشمن تصور کند برای مسلمانان نیروهای جدید کمکی رسیده است، نیز از ابتکارات وی بود (واقعی، ۱۹۶۶: ۷۶۴/۲).

اشعار و رجزهایی که مسلمانان معمولاً در آغاز نبردهای تن به تن می‌خواندند نیز حاوی تفاخرهای دینی و گاه قومی و قبیله‌ای و نیز حاکی از ایمان و شجاعت و برتری فرد در جنگاوری بود (واقعی، بی‌تا: ۲/ ۲۵۲-۲۵۳، ۲۹۳؛ ابن‌هشام، بی‌تا: ۳/ ۱۳۶-۱۷۷). در برخی موارد ایجاد جنگ روانی با روش‌هایی چون برافروختن آتش، لهله، ایجاد اصوات بلند و گوشخراش، شایعه‌سازی و نشان دادن بیش از واقع نیرو و تعداد سپاهیان به طرق مختلف، در تضعیف روحیه دشمن مؤثر بود (مهر، ۱۹۹۴: ۱۰۱-۱۰۷).

بهره‌گیری از تعصبات قومی: خلیفه اول و دوم، برای هماهنگی بیشتر هر کدام از قبایل و طوایف را به رهبری یکی از بزرگان همان قبیله بر بخشی از سپاه می‌گماردند و به هنگام گسیل داشتن نیرو با یاد کردن از قبایل و شیوخ و افتخارات آنها و دادن القابی همچون «ای اهل شرافت و شجاعت»، «ای مبارزان دلیر»، و تعبیری چون «مبادا که کسی در حمله به دشمن از شما سبقت گیرد»، آنها را به رقابت با یکدیگر تهییج می‌کردند (طبری، ۱۳۸۷: ۱۱/ ۶۶۰).

نیازهای مادی اعراب: با توجه به این‌که اعراب از نظر معشیت در تنگنا بودند، بدون شک رفع نیازهای مادی از مهم‌ترین انگیزه‌های اعراب در فتوحات بود. به همین رو، خلفای اولیه سپاهیان خود را به امر الهی برای دستیابی به سرزمین‌هایی پر از آذوقه و نعمت وعده می‌دادند (طبری، ۱۳۸۷: ۳/ ۲۹۰). خلیفه دوم برای تهییج بیشتر نظامیان، افزون بر سهم آنها، خمس غنایم را نیز که متعلق به حکومت بود به آنها داد. او در سخنرانی‌های پیش از اعزام نیرو نیز بر جنبه‌های مادی فتوحات تأکید می‌کرد. برای نمونه پیش از اعزام نیرو به ایران، خطاب به آنها گفت: «ای مسلمانان بدانید و آگاه باشید که خداوند وعده فتح ایران و روم را به پیامبر (ص) داده بود. بدون تردید وعده‌های خداوند حق و حتمی است. پس برای نبرد با آنها شتاب کنید که در ضمن جنگ و جهاد، به گنج‌های ایران دست خواهید یافت. تا رنج جهاد را تحمل نکنید به سعادت دنیا و آخرت نخواهید رسید» (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۱/ ۱۳۰).

اسیران جنگ: اسیران جنگ معمولاً در برابر دریافت فدیة از سوی خانواده‌شان، آزاد می‌شدند (زهری، ۱۴۰۱: ۶۶-۶۵؛ ماوردی، ۱۹۷۳: ۴۶-۴۷). اگر اسیر، فقیر بود یا کسی حاضر نبود فدیة او را بپردازد، معمولاً به عنوان برده به فروش می‌رسید و مجبور بود در خدمت ارباب مسلمانش باشد (ماوردی، ۱۹۷۳: ۵۰)، یا بی‌دریافت فدیة آزادش می‌کردند (محمد: ۴)، به شرط این‌که از آن پس علیه مسلمانان اقدام نکند. با این‌که در قرآن و سیره پیامبر اکرم و بزرگان دین (بقره: ۱۷۷؛ مجادله: ۳؛ عباسی، ۱۹۸۹: ۳۵۷) بر آزاد کردن بردگان و اسیران و رعایت حقوق آن‌ها تأکید شده، اما در دوره‌های گوناگون حکومت اسلامی، نحوه رفتار با این گروه، تابع ویژگی‌ها و اخلاق فردی حاکمان و اربابان مسلمان و مختصات اجتماعی هر عصر بوده است. برخورد منصفانه و با مدارا یکی از عوامل توسعه و تثبیت فتوحات مسلمانان بود.

حفاظت از مرزها: فرماندهان مسلمان عمدتاً پس از فتح سرزمین‌های جدید، در مرزها (ثغور) و مناطق راهبردی، بخشی از سپاه را برای مرزبانی و حفاظت باقی می‌گذاشتند. مثلاً در سال ۱۷ برای ثغر کوفه، چهار مرز «حلوان»، «ماسبدان»، «موصل» و «قرقیسیا» تعیین شد و برای هر مرز یک فرمانده و یک نایب انتخاب گردید (طبری، ۱۳۸۷: ۴۹/۴). در فتوحات ایران و شام معمولاً به مسئله ثغور و عواصم توجه می‌شد، اما در فتوحات شمال آفریقا عمدتاً جنگ‌ها به شکل حمله و غارت و تنبیه قبایل آشوب‌گر و بازگشت از منطقه بود و پایگاه ثابتی در بسیاری از مناطق مفتوحه تشکیل نمی‌شد.

نتیجه

فتوحات اولیه در دوره شیخین که منجر به شکست نظامی دو امپراتوری بزرگ آن روز دنیا در نبردهای متعدد شد حاکی از آنست که اعراب مسلمان از توان نظامی ویژه و بالایی برخوردار بودند که توانستند در زمان محدود در مکان‌های مختلف و در جنگ‌های متعدد در هر دو جبهه ایران روم به پیروزی‌های چشمگیری برسند. به نظر می‌رسد این توان نظامی از دو جنبه باعث برتری اعراب شده بود. از یک سو، اعراب قومی جنگجو، ساده زیست، چابک و در عین حال پراکنده و نامنظم بودند و این تفاوت فرهنگی در نظامی‌گری اعراب نیز آشکار بود به نحوی که به راحتی توانستند در مقابل ارتش‌های منظم آن روز دنیا به پیروزی برسند. اعراب با اتکا به نبوغ فردی فرماندهان و شیوه جنگ‌های پراکنده (کرّ و فرّ) بسیار سریع و چابک بودند و سپاه ایران

| توان نظامی اعراب مسلمان در فتوحات اولیه | ۱۸۳

و روم با تجهیزات سنگین و سلسله مراتب دست و پا گیر بسیار کُند بودند و این یکی از عوامل پیروزی اعراب مسلمان بود. مورد دوم که باعث پیروزی اعراب شد، به نحوی تابع ویژگی اول است و آن نبوغ فرماندهان عرب و نبود شیوه‌های بسته و کلاسیک نظامی است که باعث شد اعراب با اقتباس و ترکیب شیوه‌های جنگی رقبای خود، کاستی‌های خود را از نظر نفر و امکانات جبران کنند و با اتخاذ شیوه‌های جدید، سپاه ایران و روم را به زانو درآورند.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- آلوسی، محمود شکری، (۱۳۱۴ق). بلوغ الأرب فی معرفه احوال العرب، چاپ محمد بهجه اثری، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن اثیر، علی بن محمد، (۱۳۸۶-۱۳۸۵ق). الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر.
- ابن حنبل (بی تا). مسند الامام احمد بن حنبل، بیروت: دار صادر.
- ابن خلدون (۱۴۰۸ق). تاریخ ابن خلدون، چاپ خیلی شحاده و سهیل زکار، بیروت: دارالفکر.
- ابن سعد (بی تا). الطبقات الکبری، محقق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون.
- ابن عبدربه (۱۹۸۳/۱۴۰۴). العقد الفرید، چاپ مفید محمد قمیحه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن اعثم کوفی (۱۴۱۱ق). الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالاضواء.
- ابن قتیبہ (بی تا). عیون الاخبار، بیروت: دارالکتب العربی.
- ابن منکلی، (۱۴۰۹ق/۱۹۸۸م). الادله الرسمیه فی التبعی الحریه، چاپ محمود شیت خطّاب، عراق: مطبعه المجمع العلمی العراقی.
- ابن هشام، (بی تا). السیره النبویه، چاپ مصطفی سقا، ابراهیم ابیاری، و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- بهرامیان مسعود و سیدعلی حسینی قمصیری، (۱۳۹۵). «جستاری در کارکردهای تشکیلات نظامی عهد اموی»، مطالعات تاریخ انتظامی، سال سوم، شماره ۹.
- حسن بیگی، علی، (۱۳۸۶). «فتوحات پس از رحلت پیامبر(ص)، زمینه‌ها و پیامدها»، مشکوه، شماره ۹۴، بهار.
- رشیدی، محمد، (۱۹۹۵م). تفریح الکروب فی تدبیر الحروب، چاپ عارف احمد عبدالغنی، دمشق: دار کنان.

- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۶۹ش). *کارنامه اسلام*، تهران: امیرکبیر.
- زهری، محمدبن مسلم، (۱۴۰۱ق/ ۱۹۸۱م). *المغازی النبویه*، چاپ سهیل زکار، دمشق: دارالفکر.
- زیدان، جرجی، (۱۹۱۴م). *تاریخ التملن الاسلامی*، مصر: دار مکتبه الحیاه.
- شیردل، تقی و هادی بیانی، (۱۳۹۲). «نقد و بررسی نخبگان نظامی در فتوح با تکیه بر خالدبن ولید»، *تاریخنامه خوارزمی*، سال اول، شماره ۱، پاییز.
- طبری، محمدبن جریر، (۱۳۸۷ق/ ۱۹۶۷م). *تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث.
- طیبی، سیدمحمد، (۱۳۹۲ش). *شیوه‌های تهییج و پایداری سپاهیان در صدر اسلام*، چاپ اول، کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- عباسی، حسن بن عبدالله، (۱۴۰۹ق/ ۱۹۸۹م). *آثار الاول فی ترتیب الدول*، چاپ عبدالرحمان عمیره، بیروت: دار الجیل.
- عبدالحمیدبن یحیی کاتب، (۱۳۷۴ق/ ۱۹۵۴م). *رساله عبدالحمید الکاتب فی نصیحه ولی العهده*، در رسائل البلغاء، اختیار و تصنیف محمد کردعلی، قاهره: لجنه التألیف و ترجمه والنشر.
- قائدان، اصغر، (۱۳۸۲). *سازماندهی نظامی و سازمان رزم و تحولات آن در تاریخ اسلام (از آغاز تا پایان عصر عباسی)*، تهران: دانشگاه امام حسین.
- قره‌غولی، جهادیه، (۱۹۸۶م). *العقلیه العربیه فی التنظيمات الاداریه و العسکریه فی العراق و الشام خلال العصر العباسی الاول: ۱۳۲ هـ - ۲۳۲ هـ*، بغداد: دارالشوون الثقافه العامه "آفاق عربیه".
- ماوردی، علی بن محمد، (۱۳۹۳ق/ ۱۹۷۳م). *الاحکام السلطانیه و الولایات الدینیه*، قاهره: دار ابن قطیبه.
- مسعودی، علی بن حسین، (۱۴۰۹). *مروج الذهب*، تحقیق اصغر داغر، قم: دارالهجره.
- مهر، اسماعیل مطیع، (۱۹۹۴م). *مبادیء الحرب فی صدر الاسلام*، عمان: دارالفرقان.
- نصر بن مزاحم، (۱۴۰۴ق). *وقعه صفین*، چاپ عبدالسلام محمد هارون، چاپ افست قم: مکتبه مرعشی نجفی.
- واقدی، محمدبن عمر، (۱۹۶۶م). *المغازی*، چاپ مارسدن جونز، لندن: مطبعه جامعه اکسفورد.
- واقدی، محمدبن عمر، (بی تا). *فتوح الشام*، بیروت: دارالجیل.
- هرثمی شعرانی، ابوسعید، (۱۹۹۵م). *مختصر فی سیاسه الحروب*، چاپ عارف احمد عبدالغنی، دمشق: دار کنان.